

ماهیت و اوصاف قراردادهای سوآپ

مختار محمودی^۱

ابراهیم شعاریان^۲

یوسف مولایی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۱۵

چکیده

استفاده از قراردادهای سوآپ به عنوان یکی از روشهای نوین تجارت در قلمرو بین المللی رواج گسترده یافته است و پیامدهای مهمی از جمله کاهش هزینه حمل و نقل و تقلیل زمان انتقال کالای موضوع قرارداد و رفع مخاطرات ناشی از صادرات و واردات کالاهای مشابه را در پی دارد. اهمیت و رواج روزافزون چنین قراردادهایی منتهی به طرح این سؤال می شود که ماهیت و اوصاف قرارداد سوآپ در نظام حقوقی ایران چیست؟ آیا در حقوق داخلی ما نهاد مشابهی با قرارداد سوآپ وجود دارد یا خیر؟ مقاله حاضر با بررسی نهادهای حقوقی مشابه به تبیین موضوع می پردازد و به این نتیجه می رسد که قراردادهای سوآپ با توجه به دامنه گسترده اصل حاکمیت اراده، عقدی نامعین و مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی ایران است و تراضی طرفین برای اعتبار آن کافی است. این قرارداد دارای ماهیت خاص خود می باشد، موضوع آن را اغلب کالاهای مثلی و لو با ارزش متفاوت تشکیل می دهد و در کل شامل تعهدات ویژه ای است که بر اساس توافق طرفین بنا شده است، هر چند که مشابهت آن با عقد معاوضه غیر قابل انکار است. بر این اساس قرارداد سوآپ اوصاف ویژه خود را دارد که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: قرارداد سوآپ، ماهیت، اوصاف، تجارت متقابل، حقوق ایران.

۱. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

۲. استاد گروه حقوق، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

مقدمه

تحت شرایط خاصی بین اشخاص صورت می‌گیرد. قراردادهای سوآپ در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی بین شرکت IMB و بانک جهانی صورت گرفت. از آن زمان تاکنون این قراردادها رشد قابل توجهی یافته‌اند؛ اما سوآپ کالا را می‌توان در سال‌های دور، بین کشاورزان ریشه‌یابی کرد؛ همچنین سوآپ بین بانک‌های مرکزی با همان شیوه سوآپ رایج ارز به سال ۱۹۶۰ بازمی‌گردد. (Collins, ۲۰۰۶: ۵۰۳) سوآپ در ایران به دهه ۱۹۹۰، پس از فروپاشی شوروی سابق و استقلال یافتن کشورهای آسیای مرکزی، از جمله مبادله نفت با ایران اهمیت پیدا می‌کند. در سال ۱۳۷۵ قراردادی به امضا رسید که بر اساس آن روزانه ۴۰ هزار بشکه نفت خام سبک از قزاقستان تحویل پالایشگاه تبریز و تهران می‌شد و در عوض نفت خام سبک ایران در خلیج فارس به شرکای تجاری قزاقستان تحویل می‌شد.

تا سال ۱۹۸۰ کشورهای در حال توسعه به علل کمبود ارز و فرار از نوسانات نرخ ارز و جلب سرمایه در جهت توسعه کشور از روش‌های تجارت متقابل استفاده کرده‌اند (اصغرزاده، ۱۳۷۴: ۳۳).

قراردادهای سوآپ از لحاظ ساختار مربوطه، شیوه‌ای از قراردادهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی است که به وسیله کشورهای صاحب منافع نفت و گاز و محصولات پتروشیمی و در جهت تسهیل مسائل مالی اجرا می‌شود؛ لذا در این تحقیق برای درک بهتر ماهیت قراردادهای سوآپ به مقایسه آن با برخی از تأسیسات حقوقی مشابه حقوق داخلی و خارجی و سپس به تحلیل اوصاف این قرارداد خواهیم پرداخت. قراردادهای سوآپ یکی از شیوه‌های تجارت متقابل^۱ می‌باشد و در ساده‌ترین شکل، معاوضه یک کالا با کالای دیگر است و در پیچیده‌ترین شکل، نوعی سرمایه‌گذاری خارجی تلقی می‌شود (Baker, ۱۹۸۳: ۳۷۵).

۱- مقایسه قراردادهای سوآپ با برخی از نهادهای حقوقی داخلی ایران

برای درک بهتر و آسان‌تر قراردادهای سوآپ لازم است آن را با برخی از قراردادهای داخلی مثل بیع، معاوضه، جعاله و حق‌العمل کار مقایسه کنیم و در نهایت آن را با ماده ۱۰ قانون مدنی مورد تطبیق قرار دهیم.

۱-۱- عقد بیع

برای تبیین بهتر ماهیت حقوقی قراردادهای سوآپ این سؤال به ذهن می‌رسد که آیا می‌توان قراردادهای سوآپ را در زمره بیع به معنای مصطلح در نظام حقوقی ایران دانست؟ یا نه قراردادهای سوآپ خود نهادی نوین می‌باشد؟ عقد بیع در حقوق ایران به تملیک عین به عوض معلوم تعریف شده است (ماده ۳۳۸ قانون

قبل از پیدایش پول، معاملات به صورت پایاپای صورت می‌گرفت. در دهه‌های اخیر معاملات تجارت متقابل^۱ توسعه فراوانی یافته‌اند تا جایی که برخی ارزش این معاملات را از ۲۵ تا ۵۰ درصد کل تجارت جهانی می‌دانند (Alba, ۱۹۹۰: vol. ۲۴/۵). تجارت متقابل، اصطلاحی عام است و روش‌های گوناگون معاملات صادراتی مرتبط با یکدیگر از جمله سوآپ را شامل می‌شود که یکی از آنها در کشور صادرکننده و دیگری در کشور واردکننده صورت می‌گیرد (اشمیتوف، ۱۳۹۳: ۲۴۱). سوآپ یک واژه انگلیسی است^۲ و در لغت به معنای معامله پایاپای، معاوضه و مترادف با واژه مبادله است (حبیب‌زاده قره‌تپه، ۱۳۹۴: ۱۶۷-۱۵۸) و گاهی سوآپ معاوضه محصولات، نرخ بهره، ارز و یا بدهی مالی معرفی شده، (Collins, ۲۰۰۶: ۵۰۳) و در اصطلاح «قراردادی است که به موجب آن کالای با کالای دیگر مبادله می‌شود». عده‌ای سوآپ را توافقی برای معاوضه جریان‌های نقدی ناشی از بدهی یا دارایی در آینده برای مدت زمان معین^۳ می‌دانند (هال، ۱۳۸۴: ۲۵۹؛ معصومی‌نیا و بهاروندی، ۱۳۸۷) و برخی سوآپ را قرارداد تعویض می‌دانند. (صمدائی گله‌کلائی و جهانگیری حسین‌آبادی، ۱۳۹۳؛ فرحناکیان، ۱۳۹۳) و یا مجموعه‌ای از جریان‌های نقدی با نرخ ثابت است که با مجموعه‌ای از جریان‌های نقدی با نرخ شناور مبادله می‌شوند (راعی و سعیدی، ۱۳۹۴: ۳۲۱؛ موسویان و تملکی، ۱۳۹۲). در اکثر نظام‌های حقوقی سوآپ را با استفاده از قانون بورس آمریکا و قانون اصلاح وال استریت چنین تعریفی کرده‌اند: «هر موافقت‌نامه‌ای که یک مبنای اجرایی و الزام‌آور برای مبادله یک یا چند پرداخت مبتنی بر ارزش نرخ‌ها، ارزها، کالاها، اوراق بهادار، ابزارهای بدهی، شاخص‌های بورس، ابزارهای کمی یا سایر بهره‌ها و منافع اقتصادی یا مالی یا دارایی از هر نوع را تأمین می‌کند» (Paula Casta and Henriques, ۲۰۱۶: ۱۵). مهم‌ترین مزیت قراردادهای سوآپ این است که کالاها بدون اینکه پولی رد و بدل شود مورد معاوضه قرار می‌گیرند (راد و شهبازیان، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

بنابراین سوآپ را می‌توان چنین تعریف کرد: «سوآپ قراردادی است که به موجب آن کالاهای مشابهی که در محل‌های فیزیکی متفاوتی قرار دارند، در جهت کاهش ریسک و هزینه‌ها و رفع موانع حمل و نقل با یکدیگر معاوضه می‌شوند یا یک نوع مبادله جریان‌های نقدی آینده برای مدت زمان مشخصی به منظور تسهیل تجارت یا استفاده از ارز ملی به جای ارزهای رایج بین‌المللی

1. Countertrade
2. Swap
3. CENTRAL BANK OF NIGERIA RESEARCH DEPARTMENT, 2016, SWAP TRANSACTIONS, EDUCATION IN ECONOMICS SERIES, NO. 7

قراردادهای سوآپ به خصوص سوآپ نفتی این فکر را تقویت می‌کند که قراردادهای سوآپ شکلی از قراردادهای معاوضه‌ای موضوع حقوق مدنی است. با توجه به شکل معمول قراردادهای سوآپ نفتی در کشور که طبق آن نفت از یک مرز دریافت و از مرزهای دیگر کشور صادر می‌شود، این فکر تقویت می‌شود. به موجب ماده ۴۶۴ قانون مدنی ایران: «معاوضه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مال می‌دهد، به عوض مال دیگر که از طرف دیگر اخذ می‌کند، بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین، مبیع و دیگری ثمن باشد.» همان طوری که گفته شد چیزی که می‌تواند بیع را از معاوضه جدا کند، اساساً قصد طرفین است و الا از جهت مورد معامله بین این دو اختلافی نخواهد بود (شهیدی، ۱۳۹۷: ۸۳) و به نظر برخی عقد بیع، معاوضه تکامل یافته است. بدین معنی که به جای مبادله مستقیم دو کالا در بیع، پول نقش واسطه را بازی می‌کند و به عنوان ارزش‌ها، با کالای عرضه شده مبادله می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۳ و ۳۳۷)؛ بنابراین مطابق قانون مدنی ایران، قرارداد معاوضه، قرارداد بیعی است که در آن طرفین قصد انجام بیع را ندارند؛ بلکه قصدشان معاوضه است، یعنی دو نوع کالا یا جنس مشابه را باهم تعویض می‌کنند؛ ولی در قراردادهای معاوضه احکام خاص بیع اعمال نمی‌شود. در قراردادهای سوآپ نفتی مرسوم در کشور نیز مشاهده می‌شود که عامل سوآپ، نفت فروشنده را خریداری می‌کند؛ اما به جای پرداخت ثمن به وی مقداری نفت مورد توافق را در نقطه معین با دریافت حق سوآپ به شخص مورد نظر فروشنده تحویل می‌دهد و به خاطر همین است که برخی از حقوق دانان قرارداد سوآپ را از نظر عرف یک قرارداد معاوضه مدنی می‌دانند که شرط تسلیم کالای مورد سوآپ (مثل نفت و گاز و...) عامل سوآپ به خریدار درج می‌شود (حبیب‌زاده قره‌تپه، ۱۳۹۴: ۱۶۵). درست است که عقد معاوضه در برخی اوصاف با قرارداد سوآپ مشابه است، از جمله اینکه هر دو عقد معوض و یا هر دو عقد لازم است؛ ولی این دو عقد باهم متفاوت هستند: اولاً - در معاوضه دو طرف وجود دارد، در حالی که در قراردادهای سوآپ، شخص ثالثی به نام سوآپ‌کننده نیز وجود دارد. ثانیاً - در عقد معاوضه لزوماً ارتباطی بین عوضین وجود ندارد و عوضین لزوماً هم جنس نیستند. در حالی که در سوآپ این ارتباط بین عوضین اجتناب‌ناپذیر است و اکثراً مورد معامله از یک جنس هستند (Ule & Brexendorff, ۲۰۰۵: ۲۱)؛ بنابراین ساختار قراردادهای سوآپ با معاوضه متفاوت و دارای ساختاری خاص و پیچیده‌ای می‌باشد، به طوری که مدت اجرای آن مانند معاوضه، آنی و فوری نیست؛ بلکه ممکن است اجرای آن سال‌های سال به طول انجامد.

مدنی ایران). تملیکی بودن عقد بیع، این موضوع را به ذهن متبادر می‌سازد که قراردادهای سوآپ، بیشترین شباهت را با عقد بیع داشته باشد. اگر از دیدگاه حقوق مدنی بخواهیم به قرارداد سوآپ نظر کنیم به نظر برخی، قرارداد سوآپ کالا از جمله نفت و محصولات پتروشیمی و... باید یک قرارداد بیع بدانیم. چراکه از نظر مقررات پیش‌بینی شده در قانون مدنی ایران عامل تمییز قرارداد سوآپ با عقد بیع قصد طرفین است. در قرارداد سوآپ کالا شاهد آنیم که طرف سوآپ کالای مورد نظر را خود می‌خرد و به مصرف داخلی می‌رساند؛ اما به جای پرداخت ثمن، همان نوع کالا (مثل نفت) به شخص مورد نظر فروشنده تحویل می‌دهد و به خاطر همین است که برخی قراردادهای سوآپ را ماهیتاً عقد بیع می‌دانند (حبیب‌زاده قره‌تپه، ۱۳۹۴: ۱۶۵) و بر همین اساس است که عده‌ای با توجه به تعاریف مختلف فقها از بیع، معاوضه را مصداقی از بیع می‌دانند (معصومی‌نیا و الهی، ۱۳۹۰) و تنها چیزی که می‌تواند بیع را از معاوضه جدا کند، اساساً قصد طرفین است و گرنه از جهت مورد معامله بین این دو اختلافی نخواهد بود (شهیدی، ۱۳۹۷: ۸۳)؛ اما باید اذعان نمود هرچند شباهتی بین بیع و قراردادهای سوآپ وجود دارد و هر دو از عقود لازم، تملیکی و معوض است؛ اما قراردادهای سوآپ عقد بیع محسوب نمی‌شود؛ بلکه قراردادهای سوآپ قراردادی است که در عصر جدید و با توجه به نیازهای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان طراحی شده است و جهت خاص خود را دارد.

ثانیاً - اگر دو نفر کالایی را با پول مبادله کنند، دادگاه در مقام فصل خصومت بایستی آن را خرید و فروش بدانند؛ چون اگر کالایی با پول مبادله شود این بیع است هر چند دو طرف آن را معاوضه نامیده باشند (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۴)؛ اما این وضعیت در قراردادهای سوآپ وجود ندارد؛ زیرا در قراردادهای سوآپ پرداخت نقدی به مفهوم ثمن صورت نمی‌پذیرد.

ثالثاً - در عقد بیع، ضرورتی به وجود ملازمه بین ثمن و مبیع نیست و لزومی ندارد مبیع و ثمن مشابه و از یک جنس باشد؛ لیکن در قرارداد سوآپ، این ملازمه وجود دارد، به این معنی که مبیع و ثمن مشابه و تفاوت عمده‌ای بین گونه‌های آن وجود ندارد و معمولاً مورد معامله مثل نفت و گاز و... هر دو از یک جنس هستند (اشرف‌زاده، ۱۳۷۲). از طرف دیگر در قراردادهای بیع دو طرف وجود دارد؛ ولی در قراردادهای سوآپ شخص ثالثی به نام سوآپ‌کننده نیز وجود دارد که عملیات سوآپ توسط این شخص انجام می‌شود. به هر حال قرارداد سوآپ را نمی‌توان به آسانی عقد بیع در مفهوم ساده حقوق مدنی دانست.

۱-۳- جعاله

به موجب ماده ۵۶۱ قانون مدنی: «جعاله عبارت است از التزام شخصی به ادای اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیرمعین.» نسبت به ماهیت جعاله میان فقها از یک طرف و حقوق دانان از طرف دیگر اختلاف نظر وجود دارد؛ عده‌ای آن را ایقاع می‌دانند و معتقدند در جعاله به قبول نیازی نیست و صرف ایجاب برای ملزم شدن جاعل کفایت می‌کند. از طرف دیگر در جعاله بین ایجاب و قبول مقارنه‌ای وجود ندارد (قاسم زاده و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۰۳) و از طرف دیگر در عقد طرفین برای همدیگر معلوم و معین است و اهلیت عاقد شرط عقد و قبول عنصر عقد است و حال آنکه در جعاله چنین نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۳۲۵ و ۳۲۶)؛ ولی عده‌ای با توجه به مفاد ماده ۵۶۵ و ۵۶۶ قانون مدنی ایران آن را عقد دانسته‌اند (شهیدی، ۱۳۹۷: ۱۱۰؛ کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۲۵۶). باوجود اختلاف نظر در ماهیت جعاله برخی کوشیده‌اند تا قراردادهای سوآپ را با عقد جعاله توجیه کنند. (جهانگیری، ۱۳۹۵) و با توجه به اینکه قرارداد سوآپ نیز از حیث استحقاق اجرت با جعاله مشابه است، این سؤال مطرح است که آیا قراردادهای سوآپ از نظر ماهیت مشابه جعاله است؟ و آیا در ماهیت قراردادهای سوآپ نیز این اختلافات مورد اشاره وجود دارد؟ قطعاً پاسخ منفی است؛ زیرا قراردادهای سوآپ علی‌رغم پیچیدگی‌ها، باظرافت خاص خود تشکیل می‌شود و طرفین قرارداد معین و معلوم است و تعهدات آنها نیز مشخص می‌باشد و موارد ابهامی در این مورد وجود ندارد تا این قرارداد را به جعاله که بیش از یک التزام ساده و معمولی نیست، تشبیه کنیم؛ بنابراین قراردادهای سوآپ جزو عقود به شمار می‌آیند نه ایقاعات. از طرف دیگر در جعاله عامل می‌تواند پس از انجام قسمتی از عمل، از انجام بقیه عمل خودداری کند و هیچ مسئولیتی هم در این خصوص نخواهد داشت؛ اما در قراردادهای سوآپ نه تنها تکالیف و تعهدات طرفین کاملاً مشخص و معین است؛ بلکه هیچ‌یک از طرفین بدون دلیل و توجیه قانونی نمی‌توانند از ایفای تعهد خودداری کنند، در غیر این صورت ناقض قرارداد محسوب و خسارت سنگینی بر عهده وی گذارده خواهد شد؛ بنابراین قرارداد سوآپ را نمی‌توان تشبیه جعاله دانست.

۱-۴- حق العمل کاری

به موجب ماده ۳۵۷ قانون تجارت: «حق العمل، کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری معاملات کرده و در مقابل حق‌العملی دریافت می‌دارد.» برخی از حقوق دانان (جهانگیری، ۱۳۹۵؛ صمدی گله کلائی و جهانگیری حسین‌آبادی، ۱۳۹۱) قراردادهای سوآپ را مشابه حق‌العمل کار می‌دانند؛ ولی باید

توجه داشت هرچند قراردادهای سوآپ با حق‌العمل کار شباهت‌هایی دارد و هر دو عقد معوض و عقد لازم هستند و طرفین در قبال هم تعهدی دارند که بی‌دلیل نمی‌توانند از ایفای تعهد خود، خودداری کنند (اسکینی و بهنام، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۱۷۳)؛ ولی از جهت مختلف بین حق‌العمل کار و قراردادهای سوآپ تفاوت عمده‌ای دارد و آن اینکه: اولاً - با توجه به مفاد ماده مورد اشاره قرارداد حق‌العمل کار، عقد عهدی است درحالی‌که قرارداد سوآپ یک عقد تملیکی است. ثانیاً - حق‌العمل کار در فروش مال التجاره، به هر شخصی مخیر است و به هرکسی که مایل به خرید مال التجاره باشد می‌تواند طرف معامله قرار گیرد و در قرارداد نیز طرف اصیل است. درحالی‌که قراردادهای سوآپ منصرف از این اوصاف است؛ چون سوآپ کننده طرف اصیل نیست و سوآپ کننده مخیر به تحویل عوض همان جنس به هر کس نیست؛ بلکه مکلف است مشابه کالای تحویلی را به شخصی بدهد که مورد نظر طرف معامله سوآپ می‌باشد؛ بنابراین هرچند که قراردادهای سوآپ از لحاظ ظاهری شباهتی به حق‌العمل کار دارد؛ ولی نمی‌توان آن را شبیه حق‌العمل کار دانست؛ بنابراین باید گفت، خصوصیت قراردادهای سوآپ با هیچ‌یک از نهادهای حقوقی مرقوم و سایر عقود معین موجود در ساختار حقوقی ایران انطباق ندارد.

۲- مقایسه قراردادهای سوآپ با برخی نهادهای حقوقی خارجی

در مقایسه قراردادهای سوآپ با برخی از قراردادهای داخلی این نتیجه حاصل شد که این قرارداد با هیچ‌کدام از نهادهای داخلی حقوق ایران انطباق ندارد. حال در این قسمت به مقایسه این نهاد با برخی قراردادهای بین‌المللی می‌پردازیم:

۲-۱- بیع متقابل^۵

بیع متقابل قراردادی است که در آن، یک طرف، تسهیلات تولیدی را در اختیار طرف دیگر قرار می‌دهد و در مقابل تعهد می‌نماید که تمام یا قسمتی از محصولات ناشی از آن تسهیلات تولیدی را خریداری نماید (اشرف زاده، ۱۳۷۲: ۶-۲). این معامله، ترکیبی از کارخانه و عملیات تجاری است که ثمن معامله با تحویل محصول ساخته شده پرداخت می‌شود. بیع متقابل توسط کشورهای دارای اقتصاد متمرکز (سوسیالیستی) استفاده شد تا به فناوری و دانش فنی کشورهای صنعتی دست یابند و بتوانند کالاهای ساخته شده خود را به بازارهای کشورهای صنعتی روانه کنند (Blum, ۱۹۸۷: ۳۸).

بزرگ‌ترین بیع متقابل بین روسیه و کشورهای اروپای شرقی و چین با کشورهای صنعتی منعقد شده است

نیست. قراردادی است که بر اساس اصل حاکمیت اراده و تراضی طرفین ایجاد می‌شود و می‌توان آن را با ماده ۱۰ قانون مدنی ایران تطبیق داد. در حقوق ایران به وسیله این ماده اصل آزادی قراردادهای پذیرفته شده است؛ بدین معنی که جز در مواردی که قانون در راه نفوذ قرارداد ایجاد کرده باشد، اراده اشخاص حاکم بر سرنوشت پیمان‌های ایشان است و آزادی اراده را باید به عنوان اصل پذیرفت (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۴۴). همان‌گونه که می‌دانیم قراردادهای سوآپ یکی از انواع قراردادهای نامعین (بی‌نام) می‌باشد. با توجه به گستره اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادهای در حقوق ایران و فقه، نباید تردید جدی روا داشت که قراردادهایی که در قالب و مدل قراردادهای سوآپ در صنعت نفت و گاز و... منعقد می‌گردند، با لحاظ عرف حاکم بر قراردادهای (مثل نفت و گاز و...) یکی از انواع قراردادهای پذیرفته شده در ماده ۱۰ قانون مدنی باشند؛ چراکه قراردادهای سوآپ مجموعاً نوعی قرارداد خصوصی میان دو شخص حقیقی و حقوقی است که بر مبنای اصل آزادی و حاکمیت اراده طرفین و عدم مخالفت با موازین قانونی منعقد می‌شود و میان طرفین نافذ و معتبر است؛ بنابراین فارغ از تشابه نسبی بین این دو قرارداد است؛ ولی به نظر می‌رسد اساساً قراردادهای سوآپ مسیری دیگر از بیع متقابل دارد. ثالثاً - هدف اساسی قراردادهای سوآپ کاهش ریسک و هزینه‌ها است؛ ولی هدف اساسی در قرارداد بیع متقابل مشخصاً تأمین مالی پروژه از طریق جذب سرمایه لازم برای توسعه و ساخت یک واحد اقتصادی، به خصوص در مسائل نفت و گاز برای اکتشاف، توسعه میدان‌های نفتی و تولید و بهره‌برداری از مخازن نفت و گاز می‌باشد (رحیمی، ۱۹۳: ۸۴).

رابعاً - در قراردادهای سوآپ سه طرف وجود دارد، صادرکننده، واردکننده و سوآپ کننده که به عنوان واسطه عمل می‌کند. درحالی‌که قرارداد بیع متقابل از دو طرف تشکیل می‌شود، سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر و شخص دیگری در این قرارداد دخالت ندارد.

۲-۲- خرید متقابل^۸

خرید متقابل یکی از روش‌های تجارت متقابل است که بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمده و گسترش پیدا کرده است و بر اساس آن، یک طرف قرارداد، کالا یا خدماتی را صادر و متقابلاً توافق می‌کند تا مقدار مشخصی از کالاهایی تولیدی کشور واردکننده خریداری نماید. خرید متقابل در واقع بر مبنای همان معاملات تهاتری ساده بنا شده است تا نیازها را تأمین کند (Goldstien, ۱۹۸۴: ۲۳) بر این اساس ویژگی‌های خاص خود را دارد: اولاً - معاملات خرید متقابل حداقل از دو قرارداد تشکیل می‌شود، درحالی‌که قراردادهای سوآپ از یک قرارداد تشکیل می‌شود و به موجب آن

(Hennart, ۱۹۹۰: ۲۵۹) و همچنین بین شوروی سابق و یک کنسرسیوم، متشکل از شرکت‌های آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی و انگلیسی منعقد شد و کنسرسیوم متعهد شد تا خط لوله گاز را از سیبری به اروپا بکشد و در مقابل گاز آن را بازخريد کرده و هزینه‌های خود را مستهلک نماید (Foker, ۱۹۹۶: ۱۳). در ایران اولین قرارداد به شیوه بیع متقابل، بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت آمریکایی کونوکو منعقد شد؛^۶ ولی این قرارداد به دلیل تحریم ایران توسط آمریکا در زمان ریاست جمهوری کلینتون لغو شد. (Katzman, ۲۰۰۳: مقدم و مزروعی ۱۳۸۶: ۱۶۲). بیع متقابل دارای ویژگی‌هایی به شرح ذیل است:

بیع متقابل جزو قراردادهای «بلندمدت»^۷ محسوب می‌شود (Milenkovic, ۲۰۰۴: ۱۶۸-۲۶۸) و متناسب با نوع پروژه ممکن است، چندین دهه طول بکشد و از قراردادهای سنگین و پرهزینه است (Milenkovic, ۲۰۰۴: ۱۸۰-۱۶۸) و برای ایجاد و توسعه پروژه‌های گران قیمت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این قرارداد، سرمایه‌گذار علاوه از ماشین‌آلات یک واحد اقتصادی، سرمایه موردنیاز را نیز فراهم می‌سازد و تسهیلات ارائه شده با محصولات که بازخريد می‌شوند، به هم مرتبط هستند و صادرکننده تعهد می‌کند که محصولات تولیدی آن پروژه را بازخريد کند؛ لذا قرارداد بیع متقابل و جوه اشتراکی با قراردادهای سوآپ دارد: «هر دو از شیوه‌های تجارت متقابل و جزو قراردادهای بین‌المللی و بلندمدت محسوب می‌شوند و هدف هر دو جذب سرمایه‌گذاری و تحصیل تکنولوژی و ثروت و استفاده از منابع طبیعی برای توسعه اقتصادی می‌باشد؛ ولی از جهات مختلف تفاوت عمده‌ای باهم دارند:

اولاً - محور اصلی بیع متقابل، اکتشاف، توسعه میدان‌ها و بهره‌برداری مخازن نفت و گاز و انتقال دانش فنی به کشور می‌باشد؛ ولی هدف اصلی در قراردادهای سوآپ تبادل کالاهای مشابه و کاهش هزینه و ریسک می‌باشد.

ثانیاً - قراردادهای بیع متقابل حداقل از دو قرارداد مجزا تشکیل می‌شوند. در قرارداد اول سرمایه‌گذار تعهد می‌کند با عرضه ماشین‌آلات، مواد و تکنولوژی به کشور سرمایه‌پذیر کمک کند تا یک واحد اقتصادی راه‌اندازی شود و در قرارداد دوم سرمایه‌گذار متعهد می‌شود که بخشی از محصولات تولیدی آن واحد اقتصادی را بازخريد کند؛ ولی قراردادهای سوآپ از یک قرارداد تشکیل می‌شود و موضوع آن تبادل کالای مشابهی مثل نفت و گاز و امثال آن باشد.

سوآپ یک نهاد حقوقی مستقل از سایر نهادهای حقوقی ناظر به معاملات در حوزه حقوق بین‌الملل اقتصادی و تجارت بین‌الملل است و به لحاظ پیچیدگی‌ها و ظرافت خاص خود با هیچ یک از عقود معین قابل انطباق

6. Conoco Oil Cmpany.

7. Long term

8. Counter Purchase

کالاهای مشابه مبادله می‌شود. قراردادهای خرید متقابل معمولاً با یک پروتکل^۹ و یا از طریق شرط ضمن عقد به همدیگر مرتبط می‌شوند؛ چون این دو قرارداد از جهت حقوقی مستقل از یکدیگر می‌باشند. ثانیاً - خرید متقابل دارای شیوه پرداخت خاص خود از جهت مبلغ، نوع ارز، زمان پرداخت و نحوه پرداخت خواهد بود. به عنوان مثال طبق یک خرید متقابل بین یونان و روسیه، یونان موافقت کرد تا در مدت معینی، روزانه سی هزار بشکه نفت به ازای هر بشکه ۲۸ دلار از روسیه خریداری کند، در مقابل، روسیه نیز متعهد شد تا حداکثر به اندازه ارزش قرارداد اول کالاهای یونانی را خریداری کند. (Huh, ۱۹۸۳: ۱۵) و برخلاف قراردادهای سوآپ که در آن ارزش کالاها تقریباً برابر و یکسان هستند، در خرید متقابل ارزش دو قرارداد الزاماً برابر نیستند و ارزش قرارداد دوم معمولاً درصدی از ارزش قرارداد اول است که ممکن است بین ده تا صد در صد ارزش قرارداد اول باشد. در خرید متقابل ممکن است، فروشنده به جای خرید متقابل تعهد به پیدا کردن مشتری و فراهم نمودن تسهیلات لازم برای فروش کالاهای طرف مقابل نماید؛ مثلاً اطلاعات بازار و نوع تقاضا در بازار را ارائه و در تبلیغ کالاها کمک کند و این تعهدات معمولاً مبهم و در عمل ممکن است به اختلاف منجر شود. درحالی که تمامی تعهدات در قراردادهای سوآپ کاملاً مشخص و معین است. ثالثاً - در خرید متقابل کالاهای مورد مبادله به هم ارتباطی ندارند. مثلاً یک شرکت آمریکایی، هواپیمای مسافربری به یوگسلاوی را فروخت و متقابلاً ابزارآلات و کنسرو از یوگسلاوی خریداری کرد (Mcvy, ۱۹۹۰: ۱۹۹) در صورتی که در قراردادهای سوآپ کالاهای که مبادله می‌شود، تفاوت عمده‌ای بین گونه‌های آن وجود ندارد. مثل نفت و گاز و از نظر ارزش نیز کالاهای مورد مبادله در سوآپ یکسان هستند؛ ولی در قرارداد خرید متقابل لازم نیست ارزش کالاها یکسان باشد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قراردادهای سوآپ را نمی‌توان جزو معاملات خرید متقابل فرض کرد.

۲-۳- معاملات تهاتری

معامله تهاتری،^{۱۱} معامله‌ای است که بدون استفاده از ارز خارجی یک مبادله دوطرفه انجام می‌پذیرد، عمده‌ترین این نوع معاملات بین اتحاد جماهیر شوروی و اوپک در مورد نفت خام صورت می‌گرفت. انگیزه و هدف از انعقاد این نوع قرارداد این است که مبادلات به صورت کالا با کالا باشد تا مشکلات ارز غیرقابل تبدیل و یا کمبود ارز برای پرداخت در قبال خرید محصولات حل شود. این گونه معاملات بیشتر در بین کشورهای کمتر

توسعه یافته رواج داشت؛ مانند کشورهای اروپای شرقی و کشورهای جهان سوم (اصغرزاده، ۱۳۷۴: ۶)؛ بنابراین اگر قرارداد ناظر به مبادله کالا با کالا^{۱۲} و یا کالا با خدمات^{۱۳} باشد، یک معامله تهاتری به شمار می‌آید نه قرارداد فروش. (کلایوم و اشمیتوف، ۱۳۹۲: ۲۴۲ - ۲۵۰) اصطلاح «مبادله تهاتری» را در فارسی در مقابل واژه انگلیسی^{۱۴} به کار برده‌اند که حقوق دانان آن را به تجارت متقابل ترجمه نموده‌اند (نصیری، ۱۳۷۰: ۲۰۲). ایشان قراردادهای تهاتری را به واژه «معاوضه» برگردانده و بر این عقیده است که کاربرد متداول این معامله در جایی است که خریدار در مقابل کالاهای صنعتی ساخته شده، محصولات کشاورزی یا مواد اولیه تحویل می‌دهد. گاهی قراردادهای تهاتری به عنوان یک قرارداد «جبرانی»^{۱۵} نامیده شده‌اند؛ زیرا تحویل کالا توسط یکی از طرفین، جبران تحویل کالای از سوی طرف دیگر است.

قراردادهای تهاتری را به قرارداد تهاتری ساده و تهاتری بهادار تقسیم می‌کنند. در معاملات تهاتری ساده، کالاها و خدمات با ارزش یکسان و بدون اینکه پولی ردوبدل شود، مبادله می‌شوند. به عنوان مثال یک شرکت آمریکایی به میزان هشت میلیون دلار مواد شیمیایی را به زیمبابوه صادر می‌کند و به جای دریافت پول موافقت می‌کند که به همین ارزش از زیمبابوه تنباکو بگیرد (Lo-her, ۱۹۸۸: ۳۲). اجرای معاملات تهاتری ساده معمولاً به صورت یکجا و در یک مدت کوتاه انجام می‌گیرد. (Guyot, ۱۹۸۶: ۹۲۱) و این از ویژگی‌های اصلی معاملات تهاتری است. در این نوع قراردادها معمولاً طرفین توافق می‌کنند که تحویل کالاها در هر دو طرف به طور هم زمان انجام گیرد ((Brown and Franklin, ۱۹۹۴: ۲). به عنوان مثال طبق یک معامله تهاتری ساده بین ایران و زلاندنو یک صد هزار تن گوشت منجمد با شش میلیون بشکه نفت خام در طول یک سال مبادله شد درحالی که اجرای قراردادهای سوآپ ممکن است سال‌ها به طول انجامد (Gray, ۱۹۸۶: ۱۳). البته کالاهای که مبادله می‌شود به پول ارزیابی می‌شود؛ ولی این به این معنا نیست که واقعاً پول بین طرفین ردوبدل می‌گردد. معاملات تهاتری در شرایط خاص مثل جنگ و تحریم‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرند و عمدتاً بین کشورهای انجام می‌شود که ارتباط سیاسی با یکدیگر دارند (Verzariu, ۱۹۹۲: ۲). در تهاتر بهادار برخلاف تهاتر ساده، برای کالای مبادله شده بهایی تعیین می‌شود (کلایوم و اشمیتوف ۱۳۹۲: ۲۵۱) اگرچه ثمن واقعی، پیش‌بینی نمی‌شود، اما توافق بر معاوضه مبتنی بر احتساب قیمت بازار کالاهای مورد معامله است. به این جهت، قیمت کالا معمولاً در قرارداد ذکر می‌شود

11. Exchange of goods for goods.

12. Exchange of goods for Services.

13. Cunter Trade contracts.

14. Compensation Contract.

۹. پروتکل (Protocol) ممکن است نام‌های دیگری داشته باشد مثل قرارداد پایه، قرارداد تعیین‌کننده چهارچوب (Framework Agreement) و غیره

10. Barter Contracts

با تایوان قرارداد آفست امضا کرد که طبق آن تعدادی واگن قطار به تایوان فروخت و موافقت کرد حدود ۱۵ درصد بهای قرارداد را از تایوان، قطعات واگن از قبیل صندلی، شیشه و غیره خریداری نماید (شیروی، ۱۳۹۳، ۳۴۷).

آفست اساساً بعد از جنگ جهانی دوم و عمدتاً جهت مقاصد نظامی بین اعضای ناتو شکل گرفت؛ ولی از دهه ۱۹۷۰ به بعد در کشورهای صنعتی به بخش‌های غیرنظامی نیز تسری پیدا کرد و هدف اصلی در این قراردادها جذب تکنولوژی پیشرفته و دخالت تولیدکنندگان بخش داخلی خود در خریدهای هنگفت، در خارج بوده است. مثلاً در آفریقای جنوبی کلیه خریدهای دولتی بلندمدت باید حاوی ۵۰ درصد تعهدات متقابل باشد که فروشنده در جهت منافع اقتصادی آفریقای جنوبی انجام دهد (همان: ۳۴۸).

جذب تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت پیمانکاران داخلی در قراردادهای آفست، این موضوع را متبادر به ذهن می‌کند که قراردادهای سوآپ بیشترین شباهت را با قرارداد آفست داشته باشد؛ ولی باید توجه داشت که معاملات سوآپ، آفست محسوب نمی‌شود؛ چراکه در قراردادهای آفست لازم نیست موضوع قرارداد از یک جنس باشد در حالی که در قراردادهای سوآپ اکثراً کالای مورد معامله از یک جنس و شبیه به هم هستند. پس معاملات سوآپ را نمی‌توان جزو معاملات آفست دانست.

قراردادهای آفست به قرارداد آفست مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند. معاملات آفست از جهت ساختار به خرید متقابل و بیع متقابل و از نظر اوصاف، همچون سنگین بودن، بلندمدت بودن به معاملات سوآپ شباهت دارد. تعهدات جبرانی در آفست مستقیم معمولاً شامل تولید مشترک، «تحت لیسانس»،^{۲۳} پیمانکاری فرعی، سرمایه‌گذاری مرتبط خارجی «انتقال فناوری»^{۲۴} است؛ ولی در آفست غیرمستقیم شامل سرمایه‌گذاری و برنامه‌های انتقال فناوری است که ممکن است متضمن خرید متقابل، معاملات تهاتری و غیره باشد (Hammond, Grant, ۱۹۹۰: ۲۸).

بنابراین قراردادهای آفست از جهت تنظیم نوع قرارداد و بلندمدت بودن اجرای قرارداد به قراردادهای سوآپ شباهت دارد و مهم‌تر از آن در همه این نوع قراردادها، تعهدات و تکالیف طرفین بر اساس توافق و اراده طرفین و ملاحظه سود و زیان آنها است؛ ولی تفاوت‌های بین آن دو وجود دارد و آن اینکه در قراردادهای سوآپ کالاهای مورد معامله شبیه هم هستند، مگر در مواردی که موضوع سوآپ کالاهای ناهمسان باشد. درحالی که در قراردادهای آفست کالاهای مورد معامله مشابه نیستند؛

و همین قیمت مبنای تطبیق میزان عوضین و تعیین تاریخ‌های تحویل متقابل کالاها است.

معاملات تهاتری هرچند با معاملات سوآپ وجه اشتراکی در برخی از مسائل از جمله اینکه هدف هر دو قرارداد رفع مشکلات ارزی به دلیل کمبود و یا تحریم برای پرداخت ثمن مورد معامله می‌باشد و ناظر به مبادله کالا با کالا می‌باشد و اجرای تعهدات هرکدام از طرفین به اجرای تعهدات طرف دیگر بستگی دارد؛ ولی تفاوت‌های بین این دو قرارداد وجود دارد. در معاملات تهاتری ارزش قرارداد معمولاً زیاد نیست و به خاطر همین است که در یک دوره کوتاه مدت کالاها مبادله می‌شوند. در حالی که اجرای قراردادهای سوآپ ممکن است سال‌های سال طول بکشد و از طرف دیگر در معاملات تهاتری لازم نیست کالاها مشابه باشد؛ ولی در معاملات سوآپ معمولاً کالاهای مورد معامله مشابه هستند. معاملات تهاتری یک روش تجارت متعارف نیست و به طور استثنائی از جمله در مواقع جنگ مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ولی سوآپ یکی از روش‌های معمول تجارت در سطح بین‌المللی است. در نتیجه قراردادهای سوآپ را نمی‌توان جزو معاملات تهاتری فرض کرد.

۲-۴- معاملات آفست

«آفست»^{۱۵} در لغت به معنای جبران و هر چیزی که در مقابل چیزی دیگر ایجاد تعادل می‌کند. معنای مصدری این کلمه سنجیدن و جبران کردن چیزی با چیز دیگر است، به گونه‌ای که موازنه و تعادلی میان آن دو به وجود آید.^{۱۶} آفست را «مشارکت صنعتی»^{۱۷} و «جبران صنعتی»^{۱۸} و معاملات تعادلی^{۱۹} نیز شناخته‌اند و در گروه قراردادهای «تجارت متقابل»^{۲۰} جای می‌گیرد. آفست را بر اساس انگیزه خریدار یا یکی از اعمال جبرانی مرسوم در این معامله تعریف کرده‌اند. قراردادی که ضمن آن خریدار شرایط اجرا را به فروشنده یک کالا یا خدمات به گونه‌ای تحمیل می‌کند که بخشی از هزینه‌ها مستهلک و جبران شود.^{۲۱}

در اصطلاح حقوقی معاملات آفست: «عبارت از توافقی است که بر طبق آن، صادرکننده کالا و تجهیزات نظامی تعهد می‌کند تا قطعات مورد استفاده در این تجهیزات را از کشورهای واردکننده، خریداری نموده یا موجبات خرید آنها را فراهم نماید.» به عنوان نمونه شرکت دوو^{۲۲}

15. Offset

16. Oxford Dictionary, 2nd edition, Clarendon, 1989

17. Industrial Cooperation

18. Industrial Compensations

19. Balances

20. Countertrade

21. Udis B., Maskus, K.E., Offsets as Industrial Policy:

Lessons from Aerospace, Defense Economics, Vol. 2, No.2, 1991, 152.

22. Deawoo Heavy Industries

23. Licensed Production.

24. Technology Transfer

بلکه از لحاظ ظاهر و حتی در ماهیت نیز با هم فرق دارند و مهم تر از آن معاملات سوآپ از یک قرارداد تشکیل می شود، در حالی که معاملات آفست با توجه به توضیحات ارائه شده از دو قرارداد مستقل تشکیل می یابد و موضوع معامله اولی با معامله دومی کاملاً فرق می کند؛ بنابراین قراردادهای سوآپ را نمی توان جزو معاملات آفست دانست.

۳- قراردادهای سوآپ به عنوان نهادی نوین

با توجه به بررسی های به عمل آمده به این نتیجه می رسیم:

اولاً - قراردادهای سوآپ را نمی توان در هیچ کدام از قالب های حقوقی سنتی داخلی و نهادهای حقوقی خارجی جای داد و به نظر اکثر فقها و حقوقدانان نیازی نیست که قراردادها در قالب عقود معین باشد و همین که مفهوم عرفی عقد صدق پیدا کند و مخالف شرع و اخلاق حسنه و نظم عمومی نباشد و ارکان عقد نیز مانند، قصد و رضای طرفین، مشروعیت مورد معامله و... مختل نباشد در صحت آن عقد نباید تردید داشت. **ثانیاً** - با توجه به تعریف ارائه شده: «سوآپ قراردادی است که به موجب آن کالا در یک نقطه مشخص دریافت و مشابه همان کالا را در نقطه دیگر تحویل داده می شود». اجرای این قرارداد برخلاف بیع، ممکن است سال های سال به طول انجامد و این ویژگی اصلی قراردادهای سوآپ می باشد که در هیچ کدام از قراردادهای داخلی و خارجی وجود ندارد و به خاطر همین است که در قراردادهای سوآپ، تبادل کالا و یا به عبارتی خرید و فروش کالا با شرایط خاص خود انجام می شود.

ثالثاً - دلیل دیگر اینکه قراردادهای سوآپ یک نهاد نوین است، این است که طرفین قصد می کنند قراردادی جدید با شرایط کاملاً متفاوت با سایر قراردادها منعقد نمایند و هیچ گونه قصدی مبنی بر انعقاد قرارداد در قالب عقود معین مثل عقد بیع و... که اصلاً با این گونه قراردادها سازگار نیست، نداشته و ندارند. با توجه به اصل حاکمیت اراده باید به قراردادهای سوآپ با شرایط و ارکان خاص خود بنگریم و آن را نهادی نوین و لازم الوفا، مشروع و صحیح بدانیم.

پس در پاسخ به این سؤال که ماهیت حقوقی قراردادهای سوآپ چیست؟ و آیا نهادی مشابه آن در حقوق ایران وجود دارد یا خیر؟ با توجه به مباحث طرح شده و پیشینه پژوهشی و تحقیقاتی، استفاده از قراردادهای سوآپ در ایران و برخی از کشورهای خارجی و نیز مقایسه آن با نهادهای حقوقی داخلی و خارجی، این نتیجه حاصل شد که قراردادهای سوآپ با هیچ کدام از نهادهای حقوقی داخلی و خارجی مشابهت نداشته یا مشابهت آن چشمگیر

نمی باشد؛ بلکه قراردادی است که بر اساس اصول و حاکمیت اراده و تراضی طرفین ایجاد می شود. در واقع می توان چنین قراردادی را با ماده ۱۰ قانون مدنی ایران تطبیق داد و قراردادهای که بی نام و نشان و دارای ماهیتی خاص برای توافق های جانبی هستند و نمی توان آنها را از جمله عقود معین و محصور در قانون و فقه به شمار آورد. پس باید گفت: اولاً - قراردادهای سوآپ از جمله اقسام تجارت متقابل است که هم ویژگی خاص خود را داراست و هم با سایر اقسام تجارت متقابل وجوه افتراق و اشتراک دارد. ثانیاً - قراردادهای سوآپ با هیچ کدام از اقسام عقود معین در حقوق داخلی و فقه همانند عقد جعاله و بیع و... مطابقت ندارد و با توجه به مفاد قراردادی، می توان آن را با ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل آزادی قراردادهای تطبیق داد. ثالثاً - قراردادهای سوآپ به عنوان نهادی نوین دارای ماهیت خاص خود می باشد و در کل، قراردادهای سوآپ شامل مجموعه ای از روش های قراردادی است که مفاد تراضی، کیفیت آن را می سازد.

۴- اوصاف قراردادهای سوآپ

قراردادهای سوآپ از قراردادهای بزرگ و پیچیده داخلی و بین المللی است و مانند هر قرارداد دیگری ممکن است بین اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله دولت ها منعقد گردد و با توجه به شرایط خاص آن، این قرارداد دارای اوصاف می باشد که در ذیل به آنها اشاره می شود:

۴-۱- تملیکی بودن قراردادهای سوآپ

حقوق دانان ایران غالباً بیع کلی فی الذمه را عقد عهدی دانسته اند. با توجه به اینکه موضوع قراردادهای سوآپ، کلی فی الذمه است این سؤال متبادر به ذهن است که آیا این قرارداد جزو قراردادهای عهدی است یا تملیکی؟ برخی از حقوقدانان در تعریف گفته اند: «عقد تملیکی، عقدی است که موجب انتقال مالکیت مالی از یک طرف به طرف دیگر باشد»، مثل فروش مال معین، عقد عهدی عقدی است که صرفاً موجب پیدایش تعهد و تکلیف قانونی بر عهده طرف عقد باشد، مانند تعهد به ساختن خانه ای طبق نقشه معین (شهیدی، ۱۳۹۸: ۸۵). این تعریف مورد قبول حقوق دانان دیگر نیز می باشد (امامی، ۱۳۹۷: ۱۷۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۷۵؛ صفایی، ۱۳۹۸: ۴۰) و آنان بیع کلی در ذمه را از مصادیق عقد عهدی دانسته اند؛ ولی به نظر برخی از حقوق دانان: «حقیقت این است که تملیک فوری و بدون قید و شرط جوهر و اساس عقد بیع نیست». درست است که اگر بیع قابلیت تعلق به دیگری را داشته باشد، در اثر بیع مالکیت انتقال می یابد؛ ولی نمی توان ادعا کرد که بیع جز از

زدن آن را ندارند، مگر طبق قانون یا با توافق طرفین بتوان قرارداد را خاتمه داد (شهیدی، ۱۳۹۸: ۶۲)؛ زیرا سوآپ از اهمیت و شرایط خاصی برخوردار است و بر هم زدن آن بدون هرگونه دلیل موجه، موجب ناامنی در نظام قراردادهای بین‌المللی خواهد بود. این اصل در فقه اسلامی نیز ریشه دارد و از آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» و حدیث نبوی «المؤمنون عند شروطهم» که ناظر به همه قراردادها است، چه عقود معین و چه عقودی که بنا به نیاز منعقد شده باشد، قابل استنباط است و در حقوق فرانسه نیز این اصل در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه معرفی شده است و بیان می‌دارد: «عقودی که مطابق قانون منعقد شده باشد برای طرفین در حکم قانون است». به عبارتی دیگر، تنها تراضی طرفین را حتی اگر در قالب هیچ عقدی از عقود معین نباشد، به شرطی که برخلاف کتاب و سنت و قانون نباشد، کافی می‌دانند و به صرف اینکه آن عقد سابقه‌ای در شرع نداشته باشد، باطل نمی‌باشد.

ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران نیز به این موضوع اشاره دارد و مقرر می‌دارد: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع است، مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود». ماده مذکور بیانگر اصل لزوم قراردادها می‌باشد؛ یعنی همه عقود لازم هستند، مگر آنکه قانون خلاف آن را تصریح نماید؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت قراردادهای سوآپ نیز از نوع قراردادهای نامعین می‌باشد و تراضی برای صحت و لزوم آن کافی است؛ زیرا برای هر یک از طرفین این قرارداد تعهداتی به وجود می‌آید و عرف نیز به این تعهدات طرفین عقد می‌گوید؛ لذا تحت عموم آیه شریفه «اوفوا بالعقود...» و ماده ۲۱۹ قانون مدنی قرار می‌گیرد و لازم‌الوفاء است؛ چون هدف طرفین از ورود به قرارداد، مخصوصاً قراردادهای بین‌المللی مانند سوآپ به گونه‌ای است که با جواز آن منافات دارد و جواز این قراردادها مخالف با عقلایی بودن آنها است.

۴-۳- رضایی بودن قراردادهای سوآپ

این سؤال مطرح است که آیا قراردادهای سوآپ از عقود رضایی است یا تشریفاتی؟ قراردادهای سوآپ معمولاً در بازارهای فرابورس (OTC)^{۲۰} مورد معامله قرار می‌گیرند. برخلاف بازارهای بورس که در آن قراردادها بر اساس استانداردها و ضوابط مشخصی اجرا می‌شوند، در بازار فرا بورس قراردادها صرفاً بر اساس توافق طرفین صورت می‌گیرد و قاعده مشخصی برای اجرای آنها وجود ندارد؛ لذا طرفین بر اساس صلاح دید و توافق یکدیگر می‌توانند قراردادها را به روش متنوعی اجرا کنند، مشروط بر اینکه منافع طرفین تأمین شود

طریق تملیکی تحقق نمی‌یابد؛ زیرا این اثر موکول بر این است که موضوع عقد در عالم معین باشد و به نظر این استاد، با انجام عقد، عین کلی انتقال داده شده و تسلیم یک عمل حقوقی نیست و تعهد فرعی و تبعی ناشی از عقد بیع است؛ و در نتیجه عقد بیع، مالی را که قابل اختصاص یافتن به دیگری باشد و بتواند موضوع حق عینی قرار گیرد، تملیک می‌کند، در سایر موارد نیز اقتضای تملیک را به وجود می‌آورد و همین که مانع قراردادی یا مادی تحمل اختصاصی و حق عینی از بین برود، عقد اثر معهود را در تملیک به جای می‌گذارد و طبیعت آن نیاز به هیچ سبب اضافی یا مکمل ندارد؛ بنابراین در تمام موارد تملیک، سبب آن را باید عقد بیع شمرد، هرچند که شرط تأثیر سبب انتخاب فروشنده باشد و به همین اعتبار است که آن را تملیکی می‌نامند (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۳۴). این تفسیر ناشی از اختلاف در تفسیر تسلیم مصادیق عین کلی است؛ چون برخی از حقوق دانان تسلیم را یک عمل حقوقی و آن را سبب تملیک می‌دانند و به نظر ایشان تسلیم مورد تعهد در صورتی که کلی فی‌الذمه باشد از نظر تحلیل عقلی معامله جدید می‌باشد و مانند انتقال عین خارجی است؛ زیرا کلی که مورد تعهد قرار گرفته، دارای افراد عدیده در خارج است که متعهد ملزم به انتخاب و تسلیم یکی از آنها است (امامی، ۱۳۹۷: ۳۱۸). این تحلیل از لحاظ موکول ساختن تملیک به تعیین مبیع درست است؛ ولی باید توجه داشته باشیم که تعهد ناشی از عقد ناظر به تعیین مبیع است نه تملیک آن، درباره تملیک عین از پیش سبب‌سازی شده و عقد بیع زمینه آن را فراهم کرده است. به همین اعتبار هم آن را تملیکی گفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۳۶). به نظر استاد، اگر تسلیم یک عمل حقوقی باشد، لازمه‌اش این است که خریدار در قبول یا رد آن مصداقی که فروشنده برای تملیک انتخاب کرده است، آزاد باشد یا حتی در صورت بطلان بیع نیز باید این عمل حقوقی بتواند باعث تملیک شود؛ ولی این دو اثر را هیچ کس در حقوق ما نمی‌پذیرد.

از مجموع دیدگاه‌های حقوق دانان ایران چنین استنباط می‌شود که هیچ کدام از آنها اثر تملیک فوری عقد بیع کلی را نمی‌پذیرند و به نظر آنها آنچه از عقد از زمان انشا به وجود می‌آید، تعهد است و عمل تملیک با تسلیم یا انتخاب مصداق توسط فروشنده صورت می‌پذیرد و تملیک اثر عقد است و می‌توان به این اعتبار، قراردادهای سوآپ را که موضوع آن کلی فی‌الذمه است یک عقد تملیکی نامید؛ عقدی که اثر تملیک آن معلق به انتخاب مصداق موضوع سوآپ به مشتری می‌باشد.

۴-۲- لزوم قراردادهای سوآپ

قرارداد سوآپ از عقود لازم است و طرفین حق بر هم

(هال، ۲۵۹:۱۳۸۴). با وصف آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که قراردادهای سوآپ جزو قراردادهای نامعین می باشد و تراضی طرفین برای لزوم و صحت این قرارداد کافی است (حبیب زاده قره تپه، ۱۳۹۴: ۱۶۳). اصل رضایی بودن قراردادهای در نظام های حقوقی جهان پذیرفته شده است. در حقوق فرانسه اصل کلی این است که برای انعقاد قرارداد، جز در موارد استثنایی تشریفاتی لازم نیست و به محض اینکه قبول از طرف مخاطب به نحوی از انحا اعلام شد، قرارداد منعقد می گردد و این اصل را می توان از ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی فرانسه استنباط کرد. در حقوق انگلیس هم اصل بر رضایی بودن قراردادهای به طور کلی پذیرفته شده است. (Treitel, p: ۱۶۲)

در اسناد بین المللی از جمله در ماده ۱۱ کنوانسیون بیع بین المللی کالا^{۲۶} اصل رضایی بودن قراردادهای پذیرفته شده است که در مبادلات تجاری و بالأخص تجارت بین المللی از اهمیت خاصی برخوردار است که باعث رونق تجارت و تسریع در امر مبادلات و روابط بازرگانی می گردد و همچنین ماده ۲ - ۳ اصول قراردادهای تجاری بین المللی^{۲۷} در این خصوص مقرر می دارد: قرارداد به صرف تراضی طرفین و بدون هرگونه شرط منعقد، تعدیل و فسخ می شود و بند ۲ ماده ۱۰۱: ۲ اصول حقوق قراردادهای اروپا^{۲۸} و بند ۱ ماده ۱۰۶: ۱ طرح چارچوب مشترک مرجع^{۲۹} متضمن قاعده مشترک در اسناد مورد اشاره می باشد (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳: ۲۰۴).

در حقوق ایران نیز اصل بر رضایی بودن قراردادهای به عنوان یکی از آثار اصل حاکمیت اراده، پذیرفته شده است و این اصل در مواد ۱۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۳۳۹ قانون مدنی ایران بیان شده است؛ بنابراین توافق طرفین معتبر است، مگر اینکه این توافق برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد، پس نیاز به رعایت هیچ شکل خاصی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۸۸) و برای هر یک از طرفین این قرارداد تعهداتی به وجود می آید که برای آنها لازم الوفا و مشروع است و این قراردادهای به عنوان نهادی نوین و دارای ماهیت و شرایط خاص خود می باشد و در کل، مجموعه ای از روش های قراردادی است که مفاد تراضی، کیفیت آن را می سازد.

۴-۴- معوض بودن قراردادهای سوآپ

قراردادهای سوآپ به عنوان یکی از شیوه های تجارت متقابل، در واقع اشاره به ترتیبات قراردادی دارد که به موجب آن طرفین قرارداد متعهد می شوند تا تمام

ثمن را به صورت کالا از خریدار اصلی دریافت کند؛ پس این قرارداد از عقود معوض است. (Berrios and Olson. Op.cit. p:۱) به قراردادهایی که به موجب آن، یکی از طرفین به طرف دیگر تعهد یا مالی را می دهد و مقابل آن تعهد یا مالی را دریافت می دارد، عقد معوض یا معاوضی گفته می شود (صفایی، ۱۳۹۸: ۳۵؛ قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۴۶). تفاوت ارزش دو عوض مانع از معوض شناختن عقد نیست؛ مگر اینکه چنان ناچیز و کم بها باشد که عرف آن را هیچ انگارد و شائبه حیلہ برای وانمود کردن وجود عوض برود (بروجردی عبده، ۱۳۸۱: ۳۳۶). برعکس در قراردادهای که به موجب آن طرفین مالی را به دیگری می دهد یا تعهدی را بر عهده می گیرد، بدون اینکه برای طرف دیگر التزامی ایجاد شود، عقد غیر معوض یا مجانی گفته می شود. با این اوصاف قراردادهای سوآپ بی تردید عقد معوض است. همان گونه که در تعریف آن آمده است: «قراردادی است که به موجب آن کالاهای مشابهی مثل نفت و گاز و... که در محل های فیزیکی متفاوتی قرار دارند، با یکدیگر مبادله می شوند. به این معنی که هر کدام از طرفین قرارداد سوآپ، کالایی را دریافت و متقابلاً کالایی را تحویل می دهد.» این امر نشان دهنده معوض بودن قراردادهای سوآپ است.

۴-۵- همسان بودن کالای مورد سوآپ

قراردادهای سوآپ معمولاً روی کالاهای همسان (مشابه) از قبیل نفت، محصولات پتروشیمی و فلزات مرسوم است و بیشترین حجم استفاده آن مربوط به شرکت های نفت و پالایشگاه ها و یا شرکت های تولیدی محصولات پتروشیمی است. (راعی و سعیدی، ۱۳۹۴: ۳۴۱؛ حبیب زاده، ۱۳۹۴) و با عنایت به اینکه مجهول بودن موضوع قرارداد بر اساس قوانین قریب به اتفاق کشورها در معاملات موجب ابطال قرارداد می شود و به همین دلیل لازم است موضوع قرارداد و مشخصات کالای مورد سوآپ دقیقاً معلوم باشد، در غیر این صورت موجب بی اعتباری قرارداد خواهد بود. مبهم بودن موضوع قرارداد یا ذکر مشخصات کلی در مورد کالای که دارای مصادیق مختلف باشد موجب غرر و ابهام و مشکلات عدیده ای برای طرفین قرارداد می گردد؛ لیکن مشخصات کمی و کیفی کالا باید در قرارداد قید و معین گردد، به نحوی که با قصد طرفین کاملاً منطبق باشد. به عبارتی مطابق عرف هر کالا، نکاتی که از نظر استاندارد و همچنین رفع ابهام ضروری است باید در قرارداد گنجانده شود. ذکر تعداد یا مقدار بر اساس واحد شمارش و تناژ کالا از مشخصات کالا محسوب می شود که باید مورد توجه قرار گیرد. نکته قابل توجه اینکه در زمان تحریم، کشورها با فقدان و یا کمبود ارز مواجه هستند و گشایش اعتبار اسنادی^{۳۰} نیز با مشکل مواجه است؛ لذا برای رفع این مشکل،

26. Un Convention on contracts for the International Sale of Goods (CISG)

27. Unidroit Principles of International Commercial contracts (UPICD)

28. Principles of European contract law. (PECL)

29. Draft Common Frame of Reference. (DCFR)

30. Documentary credit

کشورها اقدام به سوآپ کالا غیرمشابه (ناهمسان)، مثلاً نفت و گاز در مقابل مواد اولیه و یا مواد غذایی و کالا می نمایند و با این مدل اجرایی، دیگر نیازی به ارز ثالث مانند دلار آمریکایی و یورو برای تسویه ارزی وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری:

قراردادهای سوآپ یک تجارت نوین بین الملل محسوب می گردد که سابقه ای از آن در حقوق و فقه مشاهده نمی گردد؛ لیکن در مورد ماهیت و اوصاف این شیوه از تجارت بین الملل می توان اذعان نمود که در حقوق داخلی و بین المللی نهادهای مشابهی از قبیل بیع، معاوضه، جعاله و بیع متقابل، خرید متقابل، قراردادهای تهاتری، آفست وجود دارد؛ ولی مطابقت کامل با آنها ندارد. با توجه و تبیین نهادهای حقوقی مشابه و نیز با مراجعه به فقه می توان به این نتیجه رسید که قراردادهای سوآپ را نمی توان با هیچ یک از عقود معین توجیه کرد؛ زیرا این قراردادها از پیچیدگی ها و ظرافت خاصی برخوردار هستند که در هیچ یک از عقود معین و نهادهای حقوقی مشابه خارجی دیده نشده است؛ بنابراین، تنها راه حلی که به نظر می رسد و توجیه کننده قبول و مشروعیت این قراردادها می باشد، تراضی طرفین و اصل آزادی قراردادها است؛ بنابراین قراردادهای سوآپ با توجه به دامنه گسترده اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها در حقوق و فقه ایران یکی از انواع قراردادهای پذیرفته شده در ماده ۱۰ قانون مدنی ایران می باشد و از نوع قراردادهای خصوصی است که میان اشخاص حقیقی و حقوقی و بر مبنای اصل مورد اشاره منعقد و برای طرفین نافذ و معتبر و لازم الاتباع است. از طرف دیگر، با توجه به ماهیت قراردادهای سوآپ، این قراردادها از اوصاف خاصی از قبیل تملیکی بودن، رضایی بودن، معوض بودن، لازم بودن، همسان بودن، کالای مورد سوآپ برخوردار است.

منابع

اسکینی، ربیعا؛ بهنام فرید، دل افروز (۱۳۹۰). «ساختار و ماهیت حقوقی حق العمل کاری». مجله حقوقی دادگستری. شماره ۷۵. بهار ۷۳.

اشرف زاده، حمیدرضا (۱۳۷۲). کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا. قراردادهای نمونه در تجارت متقابل. جلد ۳. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی. اشمیتوف، کلا یوام (۱۳۹۲). حقوق تجارت بین المللی. جلد ۱ و ۲. ترجمه بهروز اخلاقی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت.

اصغر زاده، عبدالله (۱۳۷۴). آشنایی با تجارت متقابل. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.

امامی، سید حسن (۱۳۹۷). حقوق مدنی. جلد ۱ و ۲.

چاپ سی و هشتم. تهران: انتشارات کتاب فروشی اسلامیة.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۱). مجموعه محشای قانون مدنی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات گنج دانش. جهانگیری، ملیحه (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی قراردادهای نفت و فراورده های نفتی با قراردادهای سوآپ. دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.

حبیب زاده قره تپه، محسن (۱۳۹۴). «کارکرد قراردادهای سوآپ نفت در ساختار حقوقی و اقتصادی ایران». مجله اطلاعات سیاسی. اقتصادی، شماره ۲۹۰.

راعی، رضا و سعیدی، علی (۱۳۹۴). مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، چاپ دهم. تهران: انتشارات سمت و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

راد، یحیی و شهبازیان، علی (۱۳۹۳). معضلات قراردادهای سوآپ گاز طبیعی و راهکارهای آن. بی جا.

رحیمی، فتح اله (۱۳۹۵). حقوق قراردادهای نفت و گاز، تحول تدریجی قراردادهای بین المللی نفتی ایران. تهران: انتشارات گنج دانش.

شعاریان، ابراهیم و رحیمی، فرشاد (۱۳۹۳). حقوق بیع بین المللی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.

شهیدی، مهدی (۱۳۹۸). تشکیل قراردادها و تعهدات. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات مجد.

----- (۱۳۹۷). حقوق مدنی ۶. عقود معین ۱. چاپ بیست یکم. تهران: انتشارات مجد.

شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳). حقوق تجارت بین الملل. چاپ هفتم. تهران: انتشارات سمت و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

صفایی، سید حسن (۱۳۹۸). دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادهای سوآپ. جلد ۲. چاپ سی و یکم. تهران: نشر میزان.

صمدانی گلک کلائی، آریا و جهانگیری حسین آبادی، میثم (۱۳۹۱). قراردادهای سوآپ نفت و تحلیل ماهیت حقوقی آن در ساختار حقوقی ایران. بی جا.

قاسم زاده، سید مرتضی؛ ره پیک، حسن؛ کیایی، عبدالله (۱۳۸۲). تفسیر قانون مدنی، اسناد. آراء و اندیشه های حقوقی. تهران: انتشارات سمت.

قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۶). حقوق مدنی - اصول قراردادهای و تعهدات. چاپ ششم. تهران: انتشارات دادگستر.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). دوره عقود معین. جلد ۱. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.

----- (۱۳۹۶). عقود معین. مشارکت ها، صلح. جلد ۲. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات گنج دانش.

----- (۱۳۸۵). حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادهای سوآپ. جلد ۱. چاپ هفتم. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- SoLution to Foreign Exchange Shortage (Federal Reserve Bank of New York).
- Groenendaal, W. J. H. van, Mazraati, M. (2006), A Critical Review of Iran's Buyback Contracts", *Energy Policy*, 34. 34.
- Jams Chen, (2018). What is Swap, Dec8.
- Hammond, Grant, T. (1990). *Countertrade, Offsets, and Barter in International Economy* (Pinter, London).
- Hennart, (1990). "Some Empirical Dimensions of Countertradd" *Journal of International Business Studies*.
- Huh, (December 1983). *Countertrade: Trad Without Cash?* 20 Finance and DeveLopment.
- Katzman, K. The Iran - Libya Sanctions Act (ILSA), Congressional Research Service; Foreign Affairs, Defense, and Trade Division, CRS Report for the Congress, Order Code RS20871, <http://fpc.state.gov/documents/organization/23591.pdf>.
- Loher, (September 25, 1988). "Barter is his Stock in Trad" New York Times.
- Mcvy, T. (1980). "countertrade and Barter: Alternative Trade Finance by Third World Nations" *International Trad Law Journal*.
- Milenkovic, Tamara-Kerkovic, (2004). "Drafting an International Buy-Back greement", UDC339. 5. 057. 7 Series: *Economics and Organization*, vol. 2, N° 2.
- Nule, Ch., & Brexendorff, A. (2005). "Iran Investing In The Oil & Gas Industry", from a Business and Legal Perspective, <www.mena-legal.com>.
- Paula Costa, E. S., and Duarte, G. (2016). *HenriQues - Arbitration in swaps: the Portuguese experience*.
- Treitel, G.H. (1999). *The law of contract, Sweet & Maxwell*. 10th ed, London,p:162
- Udis B., Maskus, K. E., (1991). *Offsets as Industrial Policy: Lessons from Aerospace, Defense Economics*, Vol. 2, No. 2.
- Ule, C., & Brexendorff, A. (2005). "IRAN INVESTING IN THE OIL & GAS INPUSTRY" from a Business and legal perspective, (www.mena.legal.com)
- Verzariu, Pompiliu, (1992). *International Countertrade, (US Department of commerce USA*
- مقدم، محمدرضا؛ مزروعی، محمد. (۱۳۷۶). «مدل سازی و تحلیل قراردادهای بیع متقابل و ارائه مدل بهینه سازی قرارداد در ایران». *مجله تحقیقات اقتصادی*. شماره ۷۶.
- معصومی نیا، غلامعلی و بهاروندی، احمد (۱۳۸۷). «بررسی فقهی قراردادهای پوشش ریسک دارایی های ارزی». *فصلنامه پژوهشی اقتصادی اسلامی*. سال هفتم. شماره ۳۱.
- معصومی نیا، علی و الهی، مهدی. «امکان سنجی فقهی استفاده از سوآپ کالا در بازار مالی ایران». *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی* سال یازدهم. شماره ۴۴.
- موسویان، سید عباس؛ تملکی، حسین (۱۳۹۲). «بررسی قراردادهای سوآپ کالا از دیدگاه فقه امامیه». *فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مالی - اسلامی*. سال دوم. شماره دوم.
- هال، جان (۱۳۷۶). «مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، ترجمه سجاد سیاح، علی صالح آبادی». *تحقیقات اقتصادی*. شماره ۷۶.
- نصیری، مرتضی (۱۳۷۰). *حقوق چندملیتی*. تهران: امیرکبیر.
- Alba, A. L. (1990). "The Egyptian Experience With Countertrade", *Journal of Word Trad*, vol. 24.
- Baker & Cunningham, *Countertrade and Trade law*, (1983). 5 *Journal of Comparative Business and Capital market law*.
- Blum, (1987). "The East - West Business", *Financial Times*, 8 June.
- Brown and Franklin, (1994). *Countertrade Paying in Goods and Services* (Long man), London.
- Berrios, R., and Olson, J. E. "Counter Trad as a Form of Debt Payment", University of Pittsburgh for CIED.
- Central Bank of Nigeria ReseAarch department, (2016). *swap transactions*, education in Economics series, no. 7.
- Collins, H. (2006). *Davies Collins Dictionary Economic*, Third Edition Critopher Pass. Bryan Lowes, Leslie.
- Foker. (1990). "Accepting Soviet Goods in Countertrade: Problems with Product Quality" (March 22) *Journal of Puchasing and Materialis Management*.
- Gugot, (1986). "Countertrade, Contracts in International Business" *International Lawyer*.
- Gray, (1986). "Price Instability Hits Expansion (February 11) *FinanciaL Times*.
- Goldstein, (1984). *Countertrad: a Stop - Gap*